

امکان و روش بازسازی کتاب حدیثی حماد بن عثمان

عاطفه زرسازان خراسانی^۱، مرضیه قدوسی^۲

۱. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

zarsazan@gmail.com

۲. دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی تهران، تهران، ایران.

marziehghodosi@gmail.com

چکیده

در کتب فهرس به نگاشته‌های روایی فراوانی اشاره شده که بخش اعظم آنها در طول زمان از بین رفته است؛ از آنجاکه یکی از ملاک‌های قدما در اعتبار روایات، مصدر روایات است، وجود مصادر و منابع حائز اهمیت هست؛ از این رو مهم‌ترین گام در این مسیر بازسازی روشمند کتب مفقود شده است. حماد بن عثمان از فقیهان و محدثان طبقه دوم اصحاب اجماع است که کتاب وی مرجع بسیاری از کتب حدیثی شیعه از جمله کتب اربعه و منشأ صدور فتوا در اعصار گذشته تاکنون بوده است. این اثر که در فهرست شیخ طوسی با عنوان کتاب آمده است تا زمان ابن طاووس وجود داشته و وی از آن با عنوان اصل یاد کرده است؛ لذا محتمل است بازسازی کتاب با احیای اصلی از اصول اولیه همراه باشد. در پژوهش حاضر که به روش فهرستی به بازسازی کتاب حماد برآمده است، مشخص گردید اصطلاح کتاب برای روایات حماد در فهرست شیخ طوسی عنوان عامی است که شامل اصل هم می‌شود؛ افزون بر آنکه بنا به شواهد به‌دست آمده تعدادی کتب حدیثی مانند کتاب صلاه، کتاب زکات و غیره نیز برای حماد تأیید می‌شود.

کلید واژه: حماد بن عثمان، اصل، کتاب، روش بازسازی کتاب

مطالعه فهرس و کتب رجالی نشان می‌دهند که اسلاف فریقین، نگاشته‌های روایی فراوانی را به رشته تحریر درآورده‌اند که حجم انبوهی از آنها در طول تاریخ از بین رفته‌اند. با توجه به اهمیت حضور کتب حدیثی در اعتبار بخشیدن به احادیث و اعتماد به آنها خصوصاً با در نظر گرفتن این نکته که ارزیابی حدیث در دوره متقدم از آنچه که در دوره متأخر جریان دارد، متفاوت است چرا که علمای متقدم ملاک‌های دیگری چون اصل و کتابی که حدیث در آن مجموعه آمده است، تکرار آن حدیث در چند مصنف و یا تکرار آن در همان اصل و موارد دیگر برای ارزیابی حدیث داشتند (شیخ بهایی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۶ - ۲۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲۱، ص ۴۸۱ - ۴۸۲)؛ لذا در صورت مفقود بودن کتاب، چنین ارزیابی از حدیث که بسیار قابل اعتنا است، ممکن نیست؛ از این رو با بازسازی کتب حدیثی کهن می‌توان ارزیابی بر اساس ملاک قدما را مانند اعصار گذشته تا حدودی به عرصه آزمون حدیث افزود و کتب حدیث متقدم را به مجموعه گران‌بهای موجود از تراث حدیثی و اسلامی بازگرداند تا مطالعات بعدی هر چه بیشتر، گسترده‌تر و عمیق‌تر بر آنها و پیرامونشان صورت پذیرد. از طرفی با توجه به اینکه یک کتاب نسخه‌های گوناگونی داشته که گاه این نسخ با هم اختلاف داشته‌اند در حالی که همه مربوط به یک کتاب بوده‌اند، وقتی اصل کتاب از بین رفته و روایات آن در کتب بعدی به صورت گزینشی وارد شده است، همان عبارتی که در نسخه مربوطه بوده است وارد کتاب بعدی شده و تطبیقی با متن سایر نسخ داده نشده و با توجه به مبنای حجیت تبعی خبر، توجهی به اختلاف ضبط‌های متن یک روایت واحد صورت نمی‌گرفته است؛ اما با بازسازی کتاب نخستین که به طور طبیعی باید دارای یک متن باشد، این اختلاف ضبط متن حدیث مورد توجه قرار می‌گیرد و می‌تواند منشأ اثر فقهی حدیثی باشد و امکان مطالعات بعدی در آن زمینه را نیز فراهم کند.

لازم به ذکر است بازسازی متون حدیثی مبتنی بر داده‌های فهرست‌نگاری است که طی مراحل متعددی و با ملاحظات علمی خاصی، تعلق بخش‌هایی از آثار موجود به یک اثر مفقود را اثبات می‌کند. این فرایند گرچه در گذشته در عرصه میراث شیعی، حرکتی بسیار کُند داشته؛ اما در دوره‌ی معاصر چند تن از محققان دغدغه‌هایی در این زمینه داشته و کارهایی را به ثمر

رسانده‌اند مانند: مقاله «موارد پژوهی و بازسازی متون مفقوده» از رسول جعفریان (۱۳۷۹)؛ مقاله‌ی «شیوه‌های بازایی میراث مفقود اسلامی» اثر علی راد (۱۳۸۵)؛ کتاب «بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه» اثر محمد عمادی حائری (۱۳۸۸)؛ مقاله «مبانی و روش‌های بازایی متون حدیثی کهن در سایه بازایی کتاب زید بن وهب اثر مهدی مردانی (۱۳۹۲ش)؛ بازایی روایات کتاب (تفسیر) علی بن ابی حمزه بطائنی» اثر مشترک علی راد، علیرضا حسینی و مرضیه جمالی (۱۳۹۲ش)؛ مقاله «بازسازی کتاب الحج معاویه بن عمار و ارزیابی طرق روایت آن با تأکید بر احادیث زیارت اثر مشترک منصور پهلوان، حسن ارمی راد و محمدحسین سهیلی (۱۳۹۶ش)؛ کتاب منابع الکافی؛ بخش اصول بازایی و اعتبارسنجی از محمود ملکی (۱۴۰۳). با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر نیز بر آن است که به بازسازی اثر حدیثی حماد بن عثمان بپردازد.

حماد بن عثمان از اصحاب اجماع (کشی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۶۷۰؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۶) و یکی از برجسته‌ترین محدثان تاریخ شیعه است که از محضر سه امام شیعه امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) بهره‌مند گردید (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۴۳) و از دانش تعدادی از اصحاب برجسته ائمه اهل بیت (ع) مانند زراره بن اعین و محمد بن مسلم نیز استفاده کرده است (خوئی، بی تا، ج ۶، ص ۲۱۶). عموم علمای رجال و حدیث، حماد را فردی قابل اعتماد و «ثقه» می‌دانند (کشی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۶۷۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۴۳؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۶). بر اساس نظر برخی از رجالیان، حماد بن عثمان کتابی داشته است که منبع نقل روایات از اوست (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۶؛ همو، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد این کتاب تا زمان سید بن طاووس وجود داشته و وی از آن بهره‌مند شده است و در کتاب خویش از آن با عنوان «اصل» یاد کرده است (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۲) و از آنجا که حماد از فقیهان و محدثان طبقه دوم اصحاب اجماع بوده و احادیث وی نیز منشأ صدور فتوا در اعصار گذشته تاکنون است؛ از این رو بازسازی نگاه‌های روایی وی اهمیت زیادی دارد و تلاش در جهت بازسازی این کتاب اصل کتاب را در جرگه کتب احادیث یا احیای اصلی از اصول حدیثی سبب می‌شود.

در مورد پیشینه اخص این پژوهش می‌توان به کتاب «شناخت‌نامه حدیث» از محمدی ری‌شهری اشاره کرد. در این کتاب به شخصیت حماد بن عثمان، مکان حدیثی، تعداد احادیث و معرفی آثار ایشان به صورت گذرا پرداخته است (نک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۶۳ - ۶۴). در پایان‌نامه کارشناسی ارشد: «بررسی نقش و جایگاه اصحاب اجماع در حدیث شیعه» از باقرتاش نیز به معرفی اجمالی و تفصیلی اصحاب اجماع و تبیین شخصیت و جایگاه علمی آنان در حدیث شیعه؛ بررسی نقش مرجعیت علمی و فقهی اصحاب اجماع در میان راویان شیعه پرداخته شده است که مطالبی مختصر درباره شخصیت حماد بن عثمان بیان شده گرچه در اثنای مطالب در بیان جایگاه اصحاب اجماع در میان روایات شیعه نیز به گونه گذرا به نام وی اشاراتی شده است (نک: باقرتاش، ۱۳۸۶، ص ۸۶). مختاری و بیرانوند مقاله‌ای با عنوان «بررسی وثاقت اصحاب اجماع» نگاشته‌اند. آنها در این تحقیق درصدد تبیین مراد کشی از اجماع بر تصحیح اصحاب اجماع برآمده و به این نتیجه دست یافته‌اند که مراد کشی از نقل اجماع برای اثبات وثاقت راویانی است که این افراد از آنها نقل روایت می‌کنند. محققان در این پژوهش، تنها به نام حماد بن عثمان اشاره کرده‌اند (نک: مختاری و بیرانوند، ۱۳۹۹، ص ۵۱ - ۶۸). زر سazan، معارف و قدوسی مقاله‌ای با عنوان: «الگویابی اسناد کلینی به روایات تفسیری حماد بن عثمان» را به رشته تحریر درآورده‌اند که در آن به شناسایی الگوهای سندی

کلینی به روایات تفسیری حماد بن عثمان پرداخته‌اند؛ اما امکان بازسازی کتاب حدیثی حماد اشاره‌ای نکرده‌اند (نک: زر سazan و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۱۲۴ - ۱۴۳)؛ لذا بعد از بررسی‌های لازم مشخص گردید موضوع پژوهش حاضر سابقه ندارد.

۱. «اصل» و «کتاب»

کتاب شامل هر نوشته حدیثی‌ای می‌شود؛ چه احادیثش از روی کتاب دیگری نوشته شده باشد یا مانند اصل، از کتاب دیگری گرفته نشده باشد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶).

در اصطلاح حدیثی علمای شیعه «اصل» کتاب مورد اعتمادی است که خود از کتاب دیگری گرفته نشده باشد (بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۶۷) یا شامل مجرد کلام و بیانات معصوم (ع) می‌باشد و تفاوت آن با «کتاب» و تصنیف در آن است که «کتاب» یا «مصنف» عبارت از همان مجموعه، همراه با استنباط‌ها و یادداشت‌های مؤلف یا مصنف است (مدیر شانه چی، ص ۷۲). آقابزرگ تهرانی «اصل» را کتاب حدیثی می‌داند که نویسنده آن احادیث را مستقیماً یا با یک واسطه از معصوم شنیده و نوشته است و از کتاب دیگری گرفته نشده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۲۶). برخی نیز قید مشافهه را به آن افزوده و آورده‌اند: «اصل» کتابی است که به طور مشافهه از کلام معصوم (ع) فراهم آمده و بدون واسطه‌ی راوی دیگر تدوین و روایت شده است در صورتی که کتب دیگر از همین اصول گرفته شده است (معارف، ۱۳۸۷، ص ۳۳۷).

۲. مراحل بازسازی کتاب حماد بن عثمان به روش فهرستی

در پژوهش حاضر، بازسازی کتاب حماد بن عثمان، مبتنی بر روش شناخته‌شده‌ی فهرستی صورت می‌پذیرد. روش فهرستی روشی نوین و از ابتکارات آیه الله مددی با عنوان «تحلیل فهرستی» در ارزیابی حدیث است (مددی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۶۱؛ عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲؛ شیرازی و ملکی، ۱۴۰۰). در این دیدگاه تک‌تک روایات یک راوی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد؛ بلکه روایات او به صورت کلی و در قالب یک مجموعه تحلیل خواهد شد (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۵۵). هدف اصلی از این تحلیل بازسازی کتب حدیث شیعه است (شیرازی و ملکی، ۱۴۰۰، ص ۳۳). نگارنده سعی نموده است مصادیق استفاده از این روش را به صورت اجمالی بر اساس اطلاعات فهرستی و برخی از داده‌های رجالی و تاریخی، توجه به سلسله‌آسانید منتهی به مؤلف مذکور، بخش‌هایی از اثر مورد نظر در آثار موجود واپسین ردیابی، شناسایی و سپس بازسازی کند.

نکته قابل‌ذکر آنکه در بازسازی یک متن حدیثی متقدم ابتدا باید از نبود نسخه خطی کتاب اطمینان حاصل نمود؛ زیرا با وجود نسخه خطی بازسازی آن امری بیهوده است که با مراجعه به فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های مختلف، هیچ نسخه خطی برای این منظور یافت نشد. نکته دیگر آنکه نباید بخش‌هایی از کتاب در یک اثر واحد پسینی منعکس شده باشد چرا که اگر تمام یا قسمتی از یک اثر در آثار و مصادر بعدی منعکس شده باشد، کنار هم قراردادن این قسمت‌ها مربوط به بازیابی اثر است نه بازسازی (موحدی، ۱۴۰۰، ص ۲۰) که در ادامه بدان می‌پردازیم:

۲-۱. اطمینان از وجود تاریخی کتاب و صحت انتساب آن به مؤلف

بازسازی یک اثر، زمانی معنا دارد که آن اثر در گذشته موجود بوده و به مؤلف آن نسبت داده شده باشد. دوره جهت کسب اطمینان از وجود تاریخی یک کتاب وجود دارد: اول مراجعه به فهرس متقدم که بهترین راه است (ر. ک طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱-۲). همانطور که قبلاً گفته شد، طوسی در کتب خود کتابی را به حماد بن عثمان نسبت داده است بدون آنکه عنوانی برای آن ذکر کند: «له کتاب» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۶؛ همو، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۴). اما نسبت دادن یک اثر به یک مؤلف در فهرست‌های متقدم، همواره و لزوماً برای اطمینان از وجود آن اثر و صحت انتسابش به مؤلف مذکور کفایت نمی‌کند، چرا که ممکن است با شواهدی، نادرستی یا کاستی گزارش مربوط در فهرس متقدم آشکار گردد یا دست کم نسبت به صحت آن، تردیدهایی به وجود آید. چنانکه شیخ طوسی صالح بن رزین از اصحاب امام صادق (ع) را صاحب اصل معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۴۴) در صورتی که نجاشی برای او کتابی قائل است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۹۹) یا نعمانی در الغیبه سلیم بن قیس را صاحب اصل (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۰۱) و آن را یکی از مهم‌ترین کتب اصول معرفی می‌کند. در حالیکه نجاشی و طوسی وی را صاحب کتاب می‌دانند (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۴۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۸). راه دوم، تصریح به نام کتاب در خلال اسانید مصادر حدیثی بعدی است که در موارد نادر اتفاق می‌افتد و اطمینان به آن نیاز به شواهد انضمامی دارد (ر. ک به موحدی، ۱۴۰۰، ص ۱۸). گرچه در هیچ منابع حدیثی به عنوان کتاب حماد تصریح نشده؛ لکن ابن طاووس (۶۶۴ق) در کتاب «الفتن و الملاحم» آورده است: «رأیت فی کتاب حماد بن عثمان ذی الناب - و هو من اصول أصحابنا - فی مدح عمر بن عبد العزیز» (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۲). وی کتاب حماد بن عثمان را بر خلاف شیخ طوسی اصل دانسته است. البته شاید بتوان گفت مراد ابن طاووس از به کار بردن واژه اصل درباره کتاب حماد، معنای مصطلح آن نیست و مفهوم لغوی آن مراد است یا شاید ابتدا از واژه «کتاب» به معنای اعم آن برای حماد استفاده کرده و سپس در ادامه آن را اصلی از اصحاب ما معرفی کرده است. اگر مقصود وی را از کاربرد این عبارت - و هو من اصول أصحابنا - معرفی کتاب حماد بدانیم، «من» در اینجا یا بیانیه است که می‌خواهد امر و مطلب مبهمی را که قبلاً بیان شده است، تبیین کند، لذا ابن طاووس با این عبارت درصدد بوده تا مشخص نماید که کتاب حماد در کتب رجالی طوسی در حقیقت اصل حدیثی بوده است یا می‌توان آن را جنس دانست یعنی واژه «من» دلالت می‌کند که آنچه از جنس مدخول «من» است، مقصود می‌باشد؛ بر این اساس ابن طاووس سعی نموده جنس کتاب را روشن نماید (نک به العبد، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵). در هر دو صورت واژه «کتاب» در معنای لغوی به کار رفته است. اما اگر مقصود ابن طاووس از «من» را تبضیه بدانیم وی کتاب حماد را یکی از پایه‌ها و مبناهای کتب حدیثی پسین به ویژه اربعه دانسته است (همینجا). این مطلب گرچه با توجه به معنای لغوی واژه اصل است اما به صورت قوی، بر اصل بودن اثر حدیثی حماد بن عثمان دلالت می‌کند چرا که مبنای کتب اربعه روایات اصول حدیثی است (معارف، ۱۳۸۷ش، ص ۳۹؛ طباطبائی، ۱۳۷۷ش، ص ۲۱۱-۲۱۲).

۲-۲. وجود روایاتی از حماد در آثار پسینی

برای بازسازی یک اثر لازم است تا در سلسله اسانید احادیث مندرج در آثار پسینی، نام مؤلف به کاررفته باشد. بدیهی است اگر از مؤلف مذکور هیچ روایتی باقی نمانده باشد، بازسازی اثر او ممکن نیست. بر اساس نقل خوبی، شمار احادیث حماد بن

عثمان در منابع حدیثی شیعه حدود ۲۰۰۰ است (خوئی، بی تا، ج ۶، ص ۲۱۶) و طبق شمارش این نوشتار نزدیک به ۱۲۰۰ روایت بدون احتساب مکررات از او در کتب حدیثی تا قرن پنجم وجود دارد.^۱ برای نمونه به برخی از اسناد روایات وی اشاره می شود: «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ...» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۵) «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا...» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۴۶) «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع...» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۹) «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ قَالَ: حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۱) «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۳) «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۶۸، ۵۵۱؛ ج ۲، ص ۲۸۹) «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع...» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۸۰) «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع...» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰۳) «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع...» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۰۶) «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع...» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۸) «... حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع...» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۳۹).

خلاصه اسانید روایات حماد بن عثمان با یک واسطه از معصوم (ع) نیز از این قرار است:

«حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۲۵) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۶) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بصير» (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۸) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۲۴) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۶) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۹۱) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۱۸) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ ع» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۱۶) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۸۹) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ ع» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۱۹) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ النَّابِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۹۶) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَغْفُورٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۳۳) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۱) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع» (ابن بابویه، ۱۴۱۵، ص ۲۹۶) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ أُدَيْمِ بْنِ الْحَرِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۲۱) «حَمَادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲۹).

نکته حائز اهمیت در این مرحله، تنوعی است که مؤلفان در آثار خود از نام حماد بن عثمان آورده اند. به این معنا که در مصادر متأخر به هنگام یادکرد از حماد بن عثمان، نام او یا به طور کامل یا به «طور ناقص» تنها با عنوان حماد، یا افزون با کنیه و لقب به کار رفته است (نک به جدول ۱ و ۲). از آنجا که نام وی با نام حماد بن عیسی^۲ مشترک است باید بخشی از روایات منقول از

^۱ . شمارش روایات با مراجعه به کتب پنج قرن نخست حدیثی شیعه در نرم افزار مکتبه اهل البیت صورت گرفت.

^۲ - محدث و فقیه امامیه در قرن دوم که از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) روایت نقل کرده است. وی در طبقه دوم اصحاب اجماع قرار دارد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۲؛ کشی، ۱۴۰۹، ص ۳۱۶).

حماد را که میان وی و حمادبن عیسی مشترک است، مدنظر قرارداد (طریحی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۳-۶۴؛ کاظمی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۸-۵۱). در نمونه‌های بالا، حمادبن عثمان حدیث را یا بدون واسطه از معصوم (ع) نقل کرده و یا با یک واسطه آن را ذکر کرده است. این موضوع در همه اسنادی که حمادبن عثمان در آن قرار دارد، مشاهده می‌شود. تنها در دو مورد با دو واسطه به نقل روایت پرداخته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۷، ۱۴۴). در تمام اسناد این روایات، حماد به عنوان صحابی امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال خویش یا سائل از امام، بدون واسطه حدیث را نقل کرده است که سبب می‌گردد، احتمال فراموشی یا تحریف آن کم‌تر باشد. براین اساس طبق نظر برخی از محققان در تعریف اصل حدیثی، می‌توان درباره اصل بودن اثر حدیثی حمادبن عثمان اندیشید.

۲-۳. توجه به طریق اثر در فهرس و مشیخه‌های متقدم

طریق اجازات کتب در فهرست‌ها در فرایند بازسازی آن، بسیار سودمند است. زیرا در مصادر روایی موجود، گزارش‌های فراوانی با همان سلسله سند کتاب از مؤلف مذکور ثبت شده که محتوای آن گزارش‌ها با عنوان کتاب کاملاً هماهنگ است (نک: معارف، ۱۳۸۸ش، ص ۷۶). حال محتوای روایاتی که اسناد آنها با طریق مذکور یکسان است، درباره کتاب حمادبن عثمان که عنوانی برای آن در کتب فهرست ذکر نشده می‌تواند مؤثر بوده و نام آن را روشن نماید. با مراجعه به کتب فهرست و طرق موجود در مشیخه^۱ «من لایحضره الفقیه» و «تهذیب الاحکام» می‌توان برخی از طرق نقل کتاب وی را شناسایی کرد. در فهرست نجاشی یک طریق و در فهرست طوسی دو طریق برای کتاب حمادبن عثمان آمده است. ابن بابویه نیز در مشیخه فقیه یک طریق به روایات وی معرفی کرده است:

شماره	طریق کتاب حماد بن عثمان	منبع
۱	أخبرنا أبو الحسن أحمد بن الجندی قال: حدثنا أبو علي محمد بن همام قال: حدثنا عبد الله بن جعفر قال: حدثنا محمد بن الوليد بكتاب حماد بن عثمان.	فهرست نجاشی، ص ۱۴۳
۲	أخبرنا به عدة من أصحابنا عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين عن أبيه عن سعد بن عبدالله و الحمیری عن محمد بن الوليد الخزاز عن حماد بن عثمان.	فهرست طوسی، ص ۱۵۶
۳	و أخبرنا به ابن أبي جید عن محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصقار عن يعقوب بن يزيد عن ابن أبي عمير و الحسن بن علي الوشاء و الحسن بن علي بن فضال عن حماد بن عثمان.	فهرست طوسی، ص ۱۵۶

۲. مشیخه گاه به روایات و گاه به کتب است از این رو صرف طریق در مشیخه صدوق بر طریق به کتاب دلالت نمی‌کند.

۴	و ماكان فيه عن حمادبن عثمان فقد رويته عن ابي عن سعد ابن عبدالله و الحميري جميعاً عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن حمادبن عثمان	مشيخه فقيه، ج ۴، ص ۴۵۳
---	--	---------------------------

جدول شماره ۳. طرق فهارس به کتاب حمادبن عثمان

افزون بر سلسله آسانید کتاب‌ها در فهارس، مشیخه‌های تهذیب و استبصار طوسی در اکثر موارد سند دستیابی طوسی را تا کتب مؤلفینی که از آنها روایت کرده به طور کامل در دو مشیخه نشان می‌دهد. از این رو داده‌های اسنادی وی در این دو مشیخه، برای بازسازی اثر مفقود حمادبن عثمان، بسیار مؤثر است. باین حال هیچ طریقی از حماد در مشیخه‌های طوسی یافت نشد؛ لذا این سؤال مطرح می‌شود که چرا طوسی روایات فراوانی در تهذیبین از حمادبن عثمان نقل کرده؛ اما در مشیخه سند دستیابی را تا کتاب حماد ذکر نکرده است؟ اگر حماد کتابی نداشته چرا طوسی در فهرست، وی را صاحب کتابی دانسته است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که محتمل است جوامعی مانند الکافی و المحاسن از منابع طوسی بوده‌اند طوسی به همین جوامع دسترسی داشته و به همین‌ها اکتفا کرده است؛ از این رو روایات حماد را از طریق چنین جوامعی دریافت کرده و باوجود دردست‌داشتن کتاب حماد برای مراجعه به جوامع بسنده کرده است. ضمن آنکه باید در نظر داشت در مواردی طوسی، احادیثی را از صاحب اصل و صاحب کتاب نقل کرده و اوایل اسناد را جهت اختصار حذف نموده است؛ لکن در مشیخه، طریق خود را به آن راویان ذکر نکرده در نتیجه حدیث از جهت سند مرسل و ضعیف است (رک: علی‌نژاد، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷) ولی با مراجعه به کتب فهرست می‌توان در جریان طریق طوسی قرار گرفت و به تصحیح اسناد این دسته از روایات پرداخت و واسطه‌ها در نقل را شناسایی و آن‌ها را از ارسال خارج کرد (همینجا). از جمله این موارد، احادیثی است که وی از حریر بن اسحاق سجستانی نقل کرده است. نام این راوی در حدود ۱۱۳۰ مرتبه در اسناد روایات تهذیب و استبصار تکرار شده و طوسی روایات فراوانی را از وی در این دو کتاب نقل کرده است (برای نمونه رک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۸؛ ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۹۵)؛ لکن طریق وی به این راوی در مشیخه ذکر نشده است، در نتیجه این روایات از جهت سند، مرسل و ضعیف محسوب می‌گردد؛ ولی وقتی به فهرست شیخ مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم طریق خود را به اصول و کتب حریر ذکر نموده است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۲).

۲-۴. تکرار سلسله سند منتهی به صاحب کتاب در منابع حدیثی

از آنجا که فهارس و مشیخه، بسیاری از طرق دسترسی به کتاب را نقل نکرده‌اند و همچنین ممکن است، طریق انتقال یک اثر حدیثی به مدارس و بوم‌های مختلف با یکدیگر تفاوت داشته باشد و همین امر سبب می‌گردد سند دستیابی به آن کتاب نیز در آثار مدارس مختلف متفاوت باشد (رک به موحدی، ۱۴۰۰، ص ۲۳) لذا مطالعه سلسله سند منتهی به صاحب کتاب مورد نظر باید صورت پذیرد. در اینجا این امر در کتب اربعه بررسی می‌شود:

۲-۴-۱. طرق نقل کتاب حمادبن عثمان در الکافی

در کتاب الکافی قریب به ۲۵۰ روایت از حمادبن عثمان آمده است. مشایخی که از او روایت کرده‌اند، قریب به سیزده نفرند: محمد بن ابی عمیر، احمد بن محمد بن ابی نصر، ابن سنان، یونس بن عبد الرحمن، عبدالله بن نجران، عمر بن عبدالعزیز،

حسن بن علی و شاء، ابن فضال، فضاله بن ایوب، محمد بن یحیی، محمد بن جمهور، ابراهیم بن هاشم، عبدالله الحجال. در جدول زیر نام چهار راوی که بیشترین نقل روایت را از او داشته‌اند، ذکر شده است:

شماره	نام راوی	تعداد	شماره	نام راوی	تعداد
۱	محمد بن ابی عمیر	۱۰۰	۴	یونس بن عبدالرحمن	۱۶
۲	حسن بن علی و شاء	۵۵	۵	دیگران	۴۴
۳	احمد بن محمد بن ابی نصر	۳۵			

جدول شماره ۴. راویان عمده حماد بن عثمان در الکافی

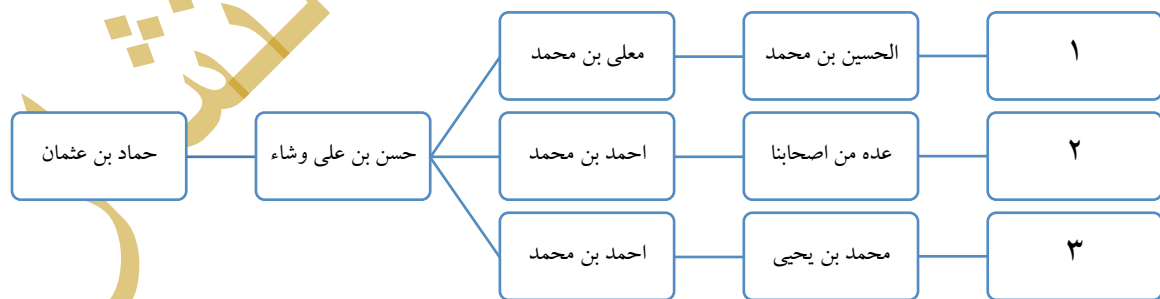
اسنادی که در ادامه معرفی می‌شوند، محتمل است، طرق اصلی کلینی به کتاب حماد بن عثمان باشد.



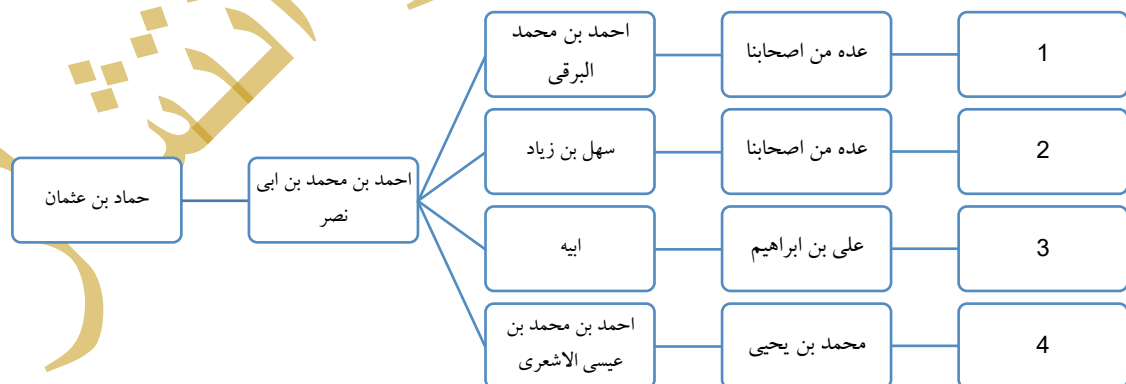
نقل ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان در کتاب کافی با دو طریق قابل مشاهده است:

طریق اول: علی بن ابراهیم < ابیه > محمد بن ابی عمیر < حماد بن عثمان: این سند در ۹۸ روایت کافی تکرار شده است (برای نمونه رک: کلینی، ج ۳، ص ۱۴۴؛ ج ۷، ص ۳۳۶). این الگو که در اسناد صدوق نیز وجود دارد (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۴۱۱)؛ الگوی اصلی کلینی در الکافی است؛ چرا که درصد زیادی از روایات ذکر شده در این کتاب با همین سند آورده شده است. علاوه بر آن در اینجا طرق کلینی به کتاب حماد بن عثمان از بغداد به قم رسیده است. در کتب فهرست نام محمد بن ابی عمیر میان راویان کتاب‌های حماد بن عثمان آمده است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۶) و لذا این طریق به کتابی از حماد بن عثمان مربوط می‌شود نه کتابی از محمد بن ابی عمیر. علاوه بر آن در مشیخه فقیه از ابن ابی عمیر در طریق ابن بابویه به کتاب حماد اشاره شده است؛ بنابراین احتمالی جز این وجود ندارد که او راوی برخی احادیث حماد برای کلینی نیز بوده است. ضمن آنکه این مطلب را بایستی مدنظر قرارداد که چه بسا محتمل است این طریق کلینی به ابن ابی عمیر باشد و ابن ابی عمیر در کتابش از حماد نقل کرده باشد. در واقع منبع کلینی کتاب ابن ابی عمیر است با همین ملاکی که درباره

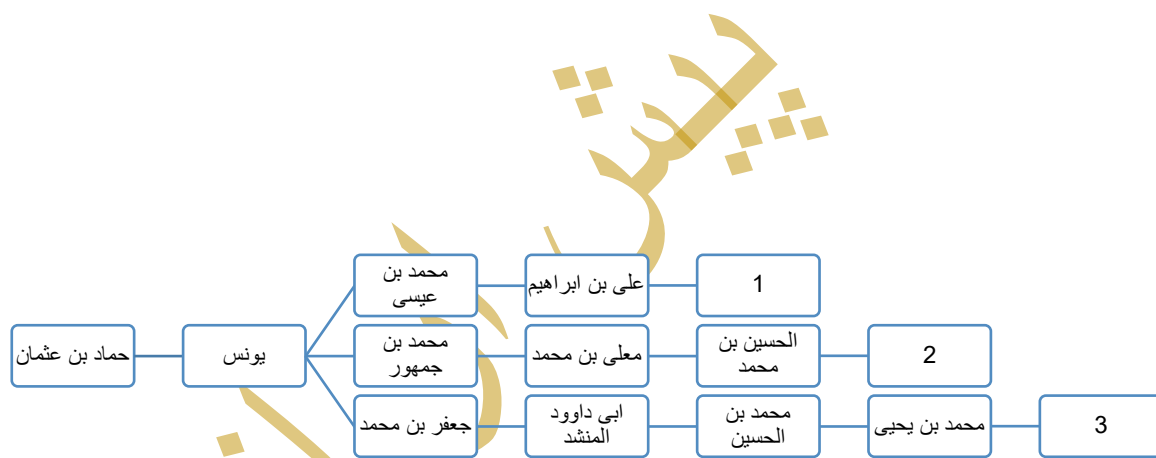
حماد گفته شد. طریق دوم: محمد بن یحیی < احمد بن محمد بن عیسی > محمد بن ابی عمیر < حماد بن عثمان. این سند در الکافی گاهی به صورت مجزا و گاهی با دو طریق موازی با سند بالا آمده است: عَلِیُّ < أَبِیهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی > أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِیعاً < ابْنِ ابِی عَمْرِو > حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ (ص ۵۴۰، ج ۴، ص ۷۶، ص ۱۰۱، ج ۵، ص ۳۹۲، ج ۶، ص ۳۹، ص ۲۰۲، ج ۷، ص ۲۸۷). لازم به ذکر است که کلینی دو روایات را با سند: «عده من اصحابنا < احمد بن محمد > ابی عمیر < حماد بن عثمان» آورده (ج ۳، ص ۴۸؛ ج ۴، ص ۱۳۳) که به نظر می رسد باتوجه به راویان سند، همان الگوی دوم است. موضوع احادیثی که با این دو الگو ذکر شده، متفاوت می شود. به عنوان نمونه می توان به این موضوعات اشاره کرد: حج (برای نمونه نک: کلینی، ج ۴، ص ۳۳۲)، امام (ج ۱، ص ۴۱۰)، دعا هنگام بلا و قضا (ج ۲، ص ۴۶۹)، غسل (ج ۳، ص ۱۵۷)، صله رحم (ج ۲، ص ۱۵۶)، نماز مستضعف (ج ۳، ص ۱۸۷)، زکات مال یتیم (ج ۳، ص ۵۴۰)، آداب روزه (ج ۴، ص ۸۷)، نکاح (ج ۵، ص ۴۰۶)، خوراکی ها (ج ۶، ص ۳۳۵) که نشانگر وجه امتیاز این اسناد با سایر اسناد در موضوع آنها نیست. از طرفی گرچه محتوای روایات مختلف است؛ اما اکثر روایات به موضوعات مختلف نماز مانند سجود و تسبیح در نماز واجب، قیام و قعود در نماز، شکایات در سه و چهار رکعت، سخن گفتن در نماز، مسجد و بنای آن، جایگاه نماز گزار، نماز جماعت و... و حج مانند نماز احرام، محرمات حج، احکام دخول در مکه و تجارت مانند فضیلت تجارت، خرید و فروش، معاوضه در طعام، فروش کالا مربوط هستند؛ لذا حماد کتبی با عناوین «صلاه»، «تجارت» و «حج» داشته و ابن ابی عمیر به آنها دسترسی داشته و کلینی نیز از آنها استفاده کرده است. علاوه بر آن، بادقت در اسناد روایات در می یابیم که تقریباً در اکثر آنها حماد بن عثمان ناقل روایتی از حلبی بوده است بنابراین می توان این احتمال را داد کلینی با این دو طریق به کتب حلبی دسترسی داشته است (برای نمونه رک: کلینی، ج ۳، ص ۵۴۰؛ ج ۴، ص ۱۲۵).



– نقل حسن بن علی و شاء از حماد با سه طریق قابل مشاهده است: طریق اول: حسین بن محمد < معلی بن محمد < حسن بن علی و شاء < حماد بن عثمان. طریق دوم: عده من اصحابنا < احمد بن محمد < حسن بن علی و شاء < حماد بن عثمان. طریق سوم: محمد بن یحیی < احمد بن محمد < حسن بن علی و شاء < حماد بن عثمان. از ۵۸ روایتی که حسن بن علی در کتاب الکافی از حماد بن عثمان نقل می کند، ۵۵ روایت از طریق اول تبعیت می کند. این الگو با طریق مفید در الامالی (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۸) و طوسی در التهذیبین (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۲۸؛ ج ۴ ص ۳۰۲؛ ج ۱۰، ص ۵۵؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴۴۴؛ ج ۲، ص ۱۰۸، ص ۱۳۶) و با الگوی صدوق منطبق است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸۲). در فهرست طوسی نیز طریقی از حسن بن علی از حماد دیده می شود (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۶). در این جا طرق کلینی یا از کوفه به بصره (به سبب بصری بودن معلی بن محمد) و سپس به قم رسیده و یا از کوفه مستقیم به قم منتقل شده است؛ لذا روایات حماد از طریق ابن و شاء (د. ۲۲۰ق) قبل از ربع اول قرن سوم در بصره، کوفه و قم رواج یافته است. احادیث مربوط به این سند عموماً گزارش هایی از مکاتبات بین امام و شیعیان در موضوعات طلاق (به عنوان نمونه نک: کلینی، ج ۶، ص ۱۳۰)، نماز (ج ۳، ص ۳۰۱)، روزه (ج ۴، ص ۸۹) و حج (ج ۴، ص ۲۵۰)، وصیت (ج ۷، ص ۳)، امامت (ج ۱، ص ۱۸۶) هستند. با توجه به فراوانی موضوعاتی درباره ائمه (ع) مانند: (فرض طاعت ائمه)، (ائمه؛ ولی امر)، (سلاح رسول الله؛ نزد ائمه (ع))، (تفویض امر دین به رسول الله و ائمه (ع)) و درباره طهارت مانند: (شک در وضو)، (موارد وجوب تیمم)، (همراه داشتن آب اندک در سفر)، (ابواب حیض)، (وضوی فرد حائض، جنب و ...)، (باب اختلاط بول با آب باران)؛ در طریق حسن بن علی و شاء به حماد بن عثمان، کتب الاثمه (ع) و طهارت برای حماد محتمل است؛ حاصل آنکه کلینی از طریق و شاء به کتاب های حماد بن عثمان دسترسی داشته و از آنها در تألیف کتاب الکافی استفاده کرده است.



— نقل احمد بن محمد بن ابی نصر از حماد بن عثمان با چهار طریق دیده می‌شود: طریق اول: *عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا > أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ > أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ > حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ*. از ۳۵ روایت احمد بن محمد بن ابی نصر از حماد بن عثمان دو روایت با این الگو مشاهده شد. طریق دوم: *عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا > سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ > أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ > حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ*. این الگو در ۲۲ روایت دیده شد و لذا الگوی اصلی کلینی در این بخش است. طریق سوم: *عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ > إِبْنِهِ > أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ > حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ*. این الگو به چهار روایت اختصاص یافته است. طریق چهارم: *مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى > أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ > حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ*. این الگو به کتب حماد بن عثمان قمی هستند. افزون بر آن موضوع روایات تمام این طرق درباره علم (برای نمونه نک: کلینی، ج ۱، ص ۴۸)، ولایت (برای نمونه نک: همان، ص ۴۲۹)، نبوت (برای نمونه نک: همان، ص ۴۴۲)، حج (برای نمونه نک: همان، ج ۴، ص ۳۹۰) و از این قبیل است.



نقل یونس بن عبدالرحمن از حماد بن عثمان با سه طریق امکان پذیر است: طریق اول: *عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ > مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى > يُونُسُ > حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ*. طریق دوم: *حُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ > مَعْلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ > مُحَمَّدُ بْنُ جُمُورٍ > يُونُسُ > حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ*. طریق سوم: *مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى > حُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ > جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ > يُونُسُ > حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ*. کلینی حدود ۱۶ روایت را از یونس از حماد بن عثمان در کافی ثبت کرده که در همه این احادیث یونس بدون واسطه راوی حماد است. از این تعداد ۱۳ روایت بر مبنای الگوی اول، ۲ روایت بر پایه الگوی دوم و ۱ روایت بر اساس سند ثابت سوم است. بر این اساس طریق اول، الگوی اصلی کلینی است. راویان حماد بن عثمان در الگوها اهل بغداد، بصره و قم هستند، لذا روایات وی از طریق یونس در بیشتر سرزمین‌های

اسلامی منتشر یافته است. اما در کتب فهرست و رجال نامی از ابی داودالمنشد نیامده است؛ لذا احتمالاً او نمی تواند خود مؤلف کتابی باشد. در الکافی اسم ابی داودالمنشد تنها در یک حدیث آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱). نکته قابل توجه آنکه در تهذیب طوسی، ابی داودالمنشد در سندی قرار گرفته که در آن حمادبن عیسی به جای حمادبن عثمان از جعفر بن محمد نقل کرده است (ج ۱، ص ۲۱۵). از این رو می توان درباره تصحیف یا عدم تصحیف نام حماد در اینجا اندیشید.

تا اینجا دوازده طریق برای کتاب حماد آمده است به عبارتی کلینی دوازده طریق به کتاب حماد داشته است. این نکته مهم را باید در نظر داشت؛ افرادی که در این طرق قرار دارند خود دارای کتاب هستند و این احتمال وجود دارد که کلینی از همین وسائط حدیث گرفته است نه کتاب حماد. صرف یکی بودن سند حدیث با فهرست ها بر منبع بودن دلالت نمی کند. اما جدای از این مطلب محتوای احادیث این اسناد شامل ستون اسلام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱)، صفات علماء (ج ۱، ص ۳)، ولایت (ج ۱، ص ۴۳۷) و طهارت آب (ج ۳، ص ۱) است.

باتوجه به آنچه در این بخش گذشت، می توان تمام ساختار کتاب الکافی را برای کتاب حماد متصور شد. به عنوان مثال فصولی برای کتاب الصلاه، الزکات، الصیام، النکاح، الطلاق، معیشت، الحج، الحجت و ... تصور نمود. اما باتوجه به این موضوع که جامع نویسی در قالب دسته بندی منظم روایات و سپس تدوین آنها از اواخر قرن دوم صورت پذیرفت و تا قبل از این زمان روایات امامان در اصول حدیثی به صورت پراکنده ثبت شده و هیئت نامدون داشت (معارف، ۱۳۸۸، ص ۷۲) و با در نظر گرفتن این مطلب که از یک سو پیش گامان جریان جامع نویسی افرادی از اصحاب مشترک امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) مانند صفوان بن یحیی، یونس بن عبدالرحمان، محمد بن ابی عمیر و ... بودند (معارف، ۱۳۸۸، ص ۷۲) و از سوی دیگر حماد بن عثمان در اواخر قرن دوم از دنیا رفته بود؛ تصور کتابی جامع با فصل بندی منظم مانند الکافی درباره حماد احتمالی ضعیف بوده و بالعکس اصل حدیثی برای وی قوت می یابد.

۲-۴-۲. طریق نقل کتاب حماد بن عثمان در کتب ابن بابویه

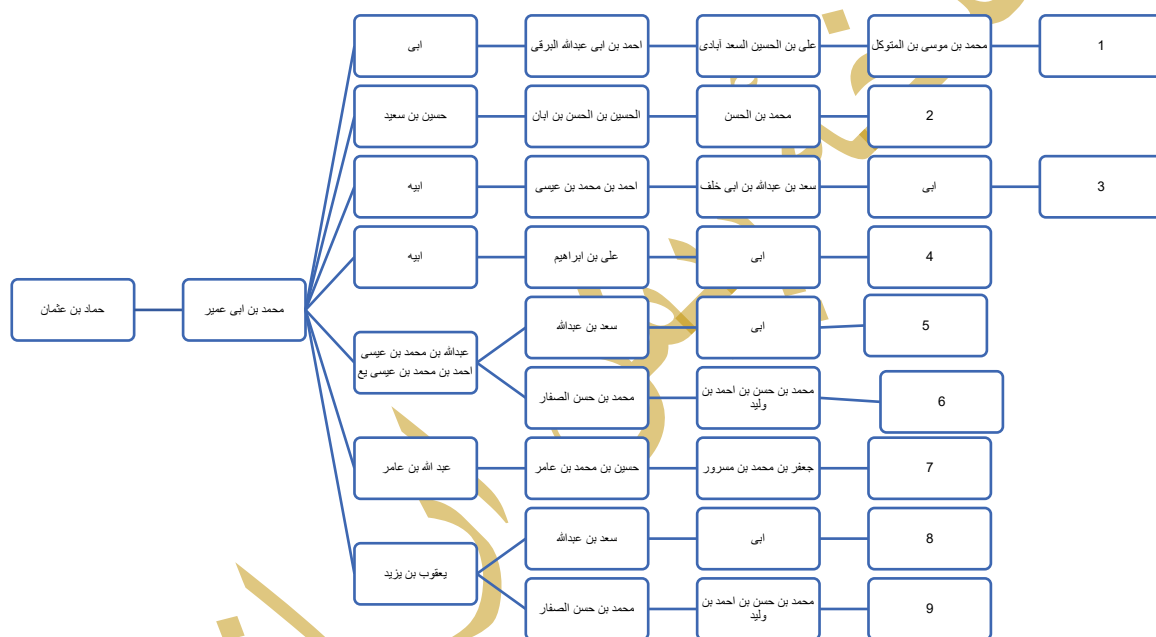
ابن بابویه در مشیخه «من لایحضره الفقیه» طریقی را به کتاب حمادبن عثمان آورده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۵۳). بر اساس این طریق که قبلاً ارائه شد، محمد بن ابی عمیر راوی کتاب و روایات حمادبن عثمان برای ابن بابویه است. در سایر کتب او نیز این اسناد وجود دارد که می تواند نشانه استفاده ابن بابویه از کتاب های حماد باشد.

مشایخ	سعد بن عبدالله، حمیری	یعقوب بن یزید	محمد بن ابی عمیر	حماد بن عثمان	۱ روایت
-------	--------------------------	---------------	------------------	---------------	---------

جدول شماره ۵. خلاصه طریق کتاب حمادبن عثمان در آثار ابن بابویه

طریق ابن ابی عمیر در مشیخه، اولاً کوفی، عراقی و سپس قمی است. در این طریق سعد بن عبدالله یا حمیری راوی از یعقوب بن یزید و یعقوب از ابن ابی عمیر است. اما ابن ابی عمیر در نقل از حمادبن عثمان در کتب صدوق در رتبه اول قرار دارد چرا که او حدود ۴۴ روایت را بدون واسطه از طریق حماد دریافت کرده است. روایات با ۹ الگو قابل مشاهده است. اینکه این الگوها

چه می‌گویند آیا طرق صدوق به کتاب حماد هستند یا مطلب دیگری را می‌رساند، نکته مهمی است چرا که همه به ابن ابی عمیر می‌رسند. حال آیا کتاب ابن ابی عمیر منبع است یا ابن ابی عمیر به عنوان راوی هست؟ سایر راویان در طرق آیا صرفاً راوی هستند یا منبع؟ در پاسخ به این پرسش‌ها بایستی گفت چه ابن ابی عمیر و یا سایر رجال سند منبع روایت باشند و چه در مقام راوی؟ آنچه مهم است، نقش حماد بن عثمان در سند است که به طور مسلم راوی بدون واسطه از معصوم (ع) است که راوی نخست روایت منقول از وی را در کتاب خود آورده و یا آن را نقل کرده است. این مطلب بر نوع منبع حدیثی حماد (اصل یا کتاب) خلدش‌های وارد نمی‌کند. ضمن آنکه هر کدام از این ۹ الگوی یکی از شیوه‌های دستیابی صدوق را به روایات حماد بن عثمان نشان می‌دهد.



روایات وی قبل از سال ۲۱۷ ق، علاوه بر بغداد که محل سکونت وی هست، توسط راویانی در کوفه، اهواز، مکه و قم نشر یافته‌است (نک به نمودار فوق). از آنجا که تقریباً اکثر این راویان اهل قم بوده و یا در برهه‌ای از زندگی خود در این شهر ساکن شده‌اند (نک به نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۶؛ ۳۳۷؛ ۴۵۰)، بیشتر روایات وی در قم منتشر شده‌است.

طرق صدوق به کتاب حماد بن عثمان در مشیخه بر اساس الگوی هشتم قرار دارد: ابی < سعد بن عبدالله > یعقوب بن یزید < ابن ابی عمیر > حماد بن عثمان (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۳۰۳). در الگوی نهم محمد بن حسن صفار نیز با واسطه یعقوب بن یزید راوی روایات ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان است: محمد بن حسن بن احمد بن ولید < محمد بن حسن صفار > یعقوب بن یزید < ابن ابی عمیر > حماد بن عثمان (همان، ج ۲، ص ۴۲۰). طبق گفته خوبی بیشتر روایات یعقوب از ابن ابی عمیر است و شاید شماره آن روایات به ۱۲۵ مورد برسد (خوئی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۷). هر دو سند منفرد و شاذ هستند؛ لذا از اعتبار آنها کاسته شده‌است. احادیثی که با این الگوها در کتب صدوق آمده با موضوعات مختلفی مانند نماز (برای نمونه نک: ابن بابویه،

۱۴۰۶ق، ص ۱۵۸؛ حج (برای نمونه نک: ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۲۳؛ مکارم الاخلاق (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۹۱)؛ علامات خروج قائم (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۵۱) و از این قبیل است.

۲-۴-۳. طرق نقل کتاب حماد بن عثمان در کتب طوسی

همان طور که در قسمت فهرس آمد، در فهرست طوسی دو طریق برای کتاب های او آمده است: اول: عدّه من أصحابنا > ابي جعفر محمد بن علی بن الحسین > ابيه > سعد بن عبدالله و الحمیری > محمد بن الولید الخزاز > حماد بن عثمان. دوم: ابن ابي جید > محمد بن الحسن بن الولید > محمد ابن الحسن الصفار > یعقوب بن یزید > ابن ابي عمیر و الحسن بن علی الوشاء و الحسن بن علی بن فضال > حماد بن عثمان (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۶).

۱	عده من اصحابنا	ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین	ابیه	سعد بن عبدالله و الحمیری	محمد بن الولید الخزاز	حماد بن عثمان
۲	ابن ابي جید	محمد بن الحسن بن الولید	محمد بن الحسن الصفار	یعقوب بن یزید	ابن ابي عمیر و ابن الوشاء و ابن علی ابن فضال	حماد بن عثمان

جدول شماره ۶: خلاصه طرق کتاب حماد بن عثمان در فهرست طوسی

در تهذیب کمتر از سیصد بار از حماد بن عثمان روایت شده است. بسیاری از این نقل ها به واسطه کافی و کتاب های دیگری است که از نوشته های حماد بن عثمان روایت کرده اند (برای نمونه نک: کلینی، ج ۱۰، ص ۴۵) اما برخی سندها نیز ممکن است طریق خود طوسی به کتاب حماد بن عثمان باشد (برای نمونه نک: کلینی، ج ۹، ص ۱۷۳).

طریق اول طریق محمد بن ولید الخزاز است. این طریق در کتب تهذیب و استبصار طوسی نیامده است. طریق دوم طریق ابن ابي عمیر و حسن بن علی الوشاء و حسن بن علی بن فضال است. ابن ابي عمیر در نقل از حماد بن عثمان در کتب طوسی نیز رتبه اول را دارد چرا که حدود ۵۹ روایت را بدون واسطه از طریق حماد دریافت کرده است. روایات با ۵ الگو قابل مشاهده است.



همان‌طور که مشاهده می‌شود طرق طوسی به کتاب حماد بن عثمان در فهرست بر اساس الگوی ۴ قرار دارد. طریق ابن ابی عمیر تا محمد بن الحسن الصفار ۲ بار در کتاب تهذیب (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۳، ۳۰۳) و ۱ بار در کتاب استبصار آمده است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۰۹). طریق حسن بن علی الوشاء و حسن بن علی بن فضال به حماد بن عثمان نیز در کتب تهذیبین مشاهده نشد.

۲-۵. همخوانی محتوای روایات با عنوان کتاب مؤلف

این مرحله از بازسازی اثر مفقودی در مواقعی ضرورت دارد که آن اثر دارای عنوانی مشخص و غیر مبهم باشد. بدیهی است در باب بازسازی آثاری که با عناوین مبهمی چون اصل یا کتاب از آنان یاد شده است، چنین مرحله‌ای ضرورت ندارد، مگر آنکه با مجموعه‌ای از شواهد احراز شود که آن اصل یا کتاب در زمینه یا رشته‌ی خاصی تألیف یافته است (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶، ص ۱۵؛ عمادی حائری، ۱۳۹۴، ص ۵۲؛ موحدی، ۱۴۰۰، ص ۲۶). از این رو بر اساس شواهدی که در خلال بازسازی کتاب حماد مشاهده گردید، چند احتمال وجود دارد: اول آنکه حماد به جای یک کتاب، چندین کتاب با عناوین مختلف داشته است؛ مانند کتاب، الصلاه یا حج. دوم آنکه محتمل است وی در کنار کتاب حدیثی دارای اصل نیز بوده باشد.

۳. بازسازی کتاب حماد بن عثمان

جمع‌آوری و دسته‌بندی احادیثی که در کتب موجود امامیه از کتاب حماد بن عثمان برجای مانده است، می‌تواند ساختار تقریبی این کتاب را نشان دهد. از آنجاکه این کتاب نوشته یکی از اصحاب فقیه و نزدیک و معتمد امامان بوده؛ منبع بسیار مهمی برای شناخت احادیث معتبر به‌ویژه احادیث فقهی است؛ لذا در این قسمت لازم است، دسته‌بندی شوند تا فصول کتاب مفقود حماد بازسازی شود. همان‌طور که قبلاً گفته شد؛ بر اساس نقل خوبی، شمار احادیث حماد

بن عثمان در منابع حدیثی شیعه حدود ۲۰۰۰ است (خوئی، بی تا، ج ۶، ص ۲۱۶) و طبق شمارش این نوشتار نزدیک به ۱۲۰۰ روایت بدون احتساب مکررات از او در کتب حدیثی تا قرن پنجم وجود دارد. در تحقیق حاضر تمام روایات حماد در کتب حدیثی امامیه بررسی شده و تنها موضوعاتی که فراوانی بیشتری در روایات وی دارند، دسته‌بندی می‌شود.

۳-۱. نماز

با بررسی کتاب‌های حدیثی شیعه چنین به دست آمد که قریب به ۱۸۷ روایت از روایات حماد بن عثمان درباره نماز است که ۴ مورد آن تفسیری است.^۱ از این تعداد بدون حذف مکررات، ۳۱ روایت را کلینی در الکافی (برای نمونه رک: کلینی، ۳: ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۹۰)، ۱۰۰ روایت را طوسی در تهذیب الاحکام (برای نمونه رک: طوسی، ج ۲، ص ۵، ۹، ۱۴، ۱۶، ۲۱، ۳۵؛ ج ۳، ص ۱۵، ۳۰، ۳۲۳) و ۴۲ روایت در الاستبصار (برای نمونه رک: طوسی، ج ۱، ص ۲۲۴، ۴۷۹)، ۱۰ روایت را صدوق در من لا یحضره الفقیه آورده‌اند (برای نمونه رک: ابن بابویه، ج ۱، ص ۲۶۸، ۳۴۱، ۳۶۰، ۳۶۴، ۵۶۳). ۴ روایت هم در دیگر کتاب‌های روایی شیعه وجود داشت (برای نمونه رک: برقی، ۳۷۱ق، ج ۱، ص ۵۹؛ ابن بابویه، ص ۷۸، ۱۵۸، همو، ج ۲، ص ۳۴۱، ۳۵۶). موضوعات فرعی روایات نماز (صلاه) از این قرار است: نماز جماعت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۷۳؛ نماز جمعه (همان، ۴۲۷)؛ نماز عید فطر (همان، ص ۴۵۹)؛ نماز هنگام کسوف (ابن بابویه، ج ۱، ص ۵۵۱)؛ نماز مسافر (طوسی، ج ۱، ص ۱۶۵)؛ مسائل مربوط به اقتداء و امام جماعت (همان، ص ۴۲؛ ۵۲) و بسیاری موضوعات دیگر.

۳-۲. حج

روایت‌هایی که درباره حج است به ۸۷ مورد می‌رسد که الکافی ۳۵ روایت (برای نمونه رک: کلینی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ ج ۴، ص ۲۰۹)، التهذیب ۲۱ روایت (برای نمونه رک: طوسی، ج ۵، ص ۳۸، ۴۵، ۷۹، ۸۰، ۹۳، ۱۳۲، ۴۷۷)، الاستبصار ۷ روایت (برای نمونه رک: طوسی، ج ۲، ص ۱۴۰، ۱۶۷، ۲۴۱)؛ من لا یحضره الفقیه ۹ روایت (برای نمونه رک: ابن بابویه، ج ۱، ص ۲۳۱، ۲۶۹) را به خود اختصاص داده‌اند. در دیگر کتب روایی، تنها ۱۵ حدیث در کتاب‌های صدوق یافت شد (برای نمونه رک: ابن بابویه، ج ۱، ص ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۱، همو، ۲۹۴). از این تعداد ۹ روایت تفسیری است (برای نمونه رک: کلینی، ج ۳، ص ۳۳؛ ج ۴، ص ۳۳۷؛ ۵۰۹؛ ج ۸، ص ۲۱۸؛ ابن بابویه، ج ۲، ص ۳۹۷، ۴۱۱؛ همان، همو، ص ۲۹۵). روایاتی که به «باب الحج» از روایات حماد بن عثمان مربوط می‌شوند شامل مسائل مختلفی می‌شود؛ از جمله حج ابراهیم و اسماعیل و بنای خانه‌ی خداوند بوسیله‌ی آنها (کلینی، ج ۴، ص ۲۰۹)، درختان حرم و مسائل مربوط به آن (همان، ص ۲۳۱)، آداب محرم (همان، ص ۳۶۶)، سعی بدون وضو (طوسی، ج ۲، ص ۲۴۱)، وقوف نکردن در مشعرالحرام (همان، ص ۳۰۶)؛ فرائض حج مانند طواف نساء (همو، ج ۵، ص ۲۸۶)؛ معرفی محرماتی که محرم باید از آن اجتناب کند (همان، ص ۲۹۹) جایز نبودن استفاده از عنبر و مشک در حال احرام (ابن بابویه، ج ۲، ص ۴۵۱)، اجتناب از فسق و جدال در حج (همو، ج ۲، ص ۳۳۸) و از این قبیل.

۱. «روایاتی که حاوی آگاهی‌های متناسب و موثر در تبیین مدالیل، مفاهیم و مقاصد قرآنی بوده، مفاهیم آیات را در تحلیل حوادث و مسائل به کار برده باشد یا اطلاعاتی سودمند در شناخت قرآن ارائه نماید (نفیسی، ۱۳۸۴، ۱۰۱).

۳-۳. امامت و ائمه (ع)

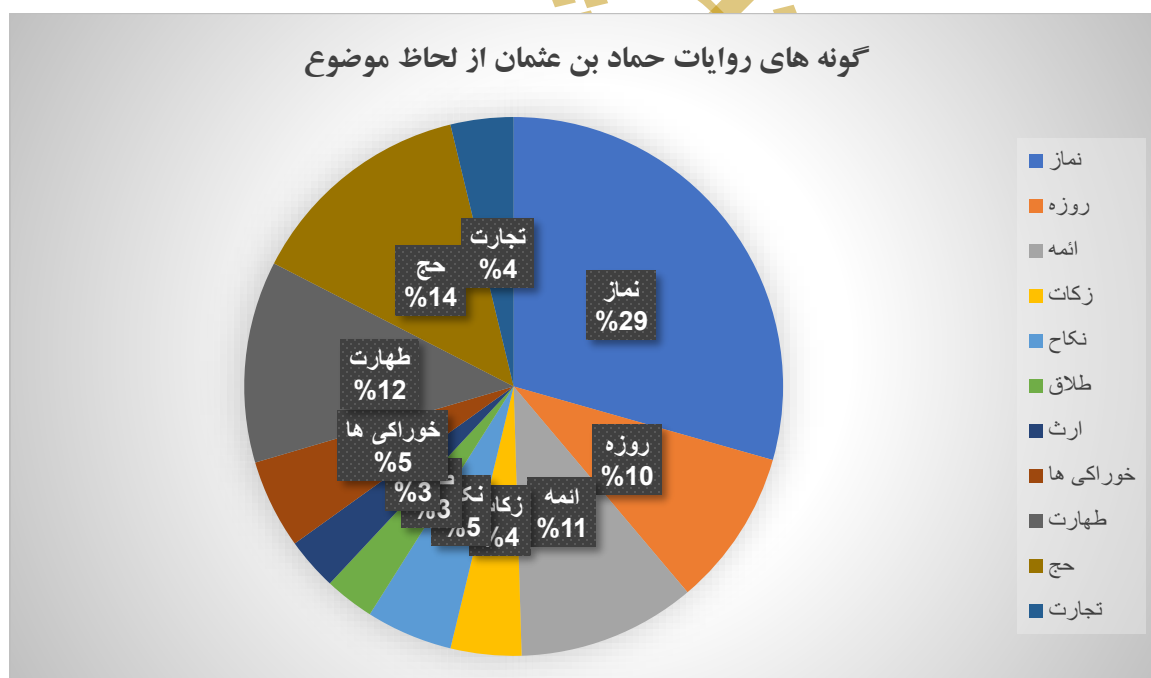
روایاتی که از حماد بن عثمان درباره‌ی موضوع ائمه (ع) و امامت (ع) است، ۶۸ روایت است. از این مقدار ۱۱ مورد روایت تفسیری است (برای نمونه رک: کلینی، ج ۱، ص ۲۱؛ ۶۲؛ ۲۰۶؛ ۴۲۹؛ ۴۲۹، ج ۲، ص ۴۰۸؛ ج ۳، ص ۴۰۱؛ طوسی، ج ۶، ص ۳۱۴؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۲۴؛ همو، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۲۲؛ همو، ۱۳۸۵ش، ج ۲۷، ص ۲۰۵). از کتب اربعه، تنها کتاب الکافی حاوی ۲۰ مورد از این روایات است (برای نمونه رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۸۶؛ ۲۰۶، ۲۳۴، ج ۲، ص ۲۱). البته صدوق ۱۰ مورد را در کتبی غیر از من لا یحضره الفقیه (ابن بابویه، ۱۴۰۶ش، ص ۹۹؛ ۲۰۵، همو، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۰۰، همو، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۵۸۳، ۵۹۸؛ همو، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۲۲، ۲۳۳، ۶۵۱؛ همو، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۶، ص ۳۹۳) و طوسی ۱ مورد را در تهذیب الاحکام (ج ۶، ص ۳۱۴) ضبط کردند. علاوه بر آن در محاسن برقی ۲ مورد (ج ۱، ص ۹۲؛ ۱۵۴)؛ در بصائر الدرجات ۲۲ مورد (برای نمونه رک: صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۵۷)؛ در الاختصاص مفید ۴ مورد (ص ۲۷۰، ۲۸۶، ۳۲۳، ۳۲۷)؛ الغیبه نعمانی ۳ مورد (ص ۲۶۶، ۲۷۸، ۳۱۶)؛ الامامه و التبصره صدوق اول ۲ مورد (ص ۱۳۳، ۱۳۸)؛ ۲ مورد در معانی الاخبار (ص ۱۰۶، ۳۹۳)؛ ۲ مورد دلایل الامامیه طبری (ص ۲۸۹، ۴۳۶) مشاهده شد. براین اساس کتاب الکافی در میان کتب اربعه مهم ترین منبع بازیابی روایات حماد بن عثمان درباره‌ی ولایت و فضائل امامان شیعه است. روایاتی که مربوط به این باب است، شامل مسائل مختلفی در این باره می‌شود: مورد حسد واقع شدن ائمه (ع) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۰۶)، مصحف حضرت فاطمه (س) (همان، ص ۲۴۰)، ولایت امیرالمؤمنین (ع) (همان، ص ۴۳۷؛ ج ۲، ص ۲۱)، ائمه (ع) بودن فرزندان حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع) تا روز قیامت (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۲۲)، خالی نبودن زمین از حجت الهی (همان، ص ۲۳۳)، عفت و پاکدامنی حضرت فاطمه (س) (همو، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۶).

۳-۴. طهارت

حماد بن عثمان ۷۷ روایت را با موضوع طهارت نقل کرده است که ۱ مورد آن تفسیری است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۱) از ۷۷ روایت، ۱۷ روایت در الکافی (برای نمونه رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱، ۱۱، ۱۴، ۱۷۸؛ ج ۶، ص ۴۹۴)؛ ۳۶ روایت در تهذیب (برای نمونه رک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۶، ۴۹، ۷۵؛ ج ۵، ص ۹۳) و ۲۲ روایت در الاستبصار (برای نمونه رک: طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۳، ۵۵، ۵۷، ۶۴؛ ج ۳، ص ۳۳۷) آمده است. هیچ روایتی در این باره در «من لا یحضره الفقیه» نیامده و تنها ۱ مورد در محاسن برقی (ج ۲، ص ۴۹۰) و ۱ مورد در الخلاف طوسی (ج ۱، ص ۷۴) آمده است. مسائلی که در این باب مطرح شده است، عبارتند از: مضمضه و استنشاق در وضو (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۳)؛ موارد وجوب غسل بر زن و مرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۷)؛ ابواب حیض (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۵)، موارد وجوب تیمم (همان، ص ۶۵)؛ آداب احداث موجه برای طهارات (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۶)؛ شرح وضو و وجوب و سنت آن (همان، ص ۷۵)، طهارت لباس و غیر آن از نجاسات (همان، ص ۲۵۱)؛ وجوب پاک شدن از نجاسات (همو، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۵۵)؛ مسح کردن سرپوشیده از حنا (همان، ص ۷۵).

۳-۵. روزه

در مجموع ۶۰ روایت از حماد بدون حذف مکررات به «باب الصوم» اشاره دارد؛ ۱۴ روایت الکافی (برای نمونه رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۶؛ ۷۷، ۸۷، ۸۸)؛ ۲۲ روایت تهذیب (برای نمونه رک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۵۴؛ ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴)؛ ۱۰ روایت الاستبصار (برای نمونه رک: طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۷۴، ۸۰، ۱۳۶)؛ ۳ روایت من لا یحضره الفقیه (ج ۲، ص ۱۷؛ ص ۸۲، ۱۴۰) و ۱ روایت در المقنعه مفید (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹۶)؛ ۳ روایت در جوابات أهل الموصول فی العدد و الرؤیه مفید (ص ۳۹، ۴۲، ۴۳)، ۱ روایت در محاسن برقی (ج ۲، ص ۳۰۱)، ۱ روایت در ثواب الاعمال (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۸۰)؛ ۱ روایت در الامالی (همو، ۱۳۷۶ش، ص ۶۸۳) و ۳ روایت در المقنعه صدوق (ص ۱۸۹، ۲۸۴، ۴۵۵) و ۱ مورد در المبسوط طوسی (طوسی، ۱۳۸۷ق، ص ۲۹۴). تنها روایت تفسیری در این باره در کتاب الکافی است (ج ۵، ص ۵۵۵). این احادیث در موضوعاتی همچون؛ آنچه که روزه دار باید به آن افطار کند و آنچه که نباید بدان افطار کند (ابن بابویه، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۹)؛ ثواب روزه سه روز در ماه: پنجشنبه اول، چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر آن (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۸۰)؛ هلال ماه رمضان و شاهدان رویت آن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۶)؛ ادب روزه دار (همان، ص ۸۷)؛ آنچه در نماز در ماه رمضان باید اضافه نمود (همان، ص ۱۵۵)؛ فردی که فوت کرده است و روزه‌ی قضا دارد (همان، ص ۱۲۴)؛ علائم اول و آخر ماه رمضان (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹۶) و از این قبیل.



از آنچه آمد می توان گفت از میان ابواب مختلف روایات حماد بن عثمان چهار موضوع فقهی؛ «باب الصلاه»، «حج»، «طهارت»، «انمه» و باب «روزه» به ترتیب آمار بیشتری از نظر تعداد نسبت به دیگر موضوعات داشتند و به تعبیری، بیش از دیگر موضوعات مورد توجه حماد بن عثمان قرار گرفته اند. علاوه بر عناوینی که ذکر گردید، برای روایات حماد بن عثمان موضوعات فراوان دیگری مانند ارث (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۸۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۲۷۰)؛ نکاح (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۱۴)، طلاق (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۸)؛ خوراکی ها (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۸۹)؛ زکات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۰)؛ قضا و قدر

(ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۳۸۹)؛ اطفال و عدل خداوند درباره آنها (همان، ص ۳۹۵)؛ قرآن (همان، ص ۲۲۶)، توحید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۲، ۹۷، ۶۶۱، ج ۱، ص ۱۰۹)، نبوت (همان، ج ۲، ص ۳۰۳)، معاد (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۶۰۳)، ربا (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۳، ۲۷۹)، صید (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۶، ۱۲، ۴۳)؛ سفر و آداب آن (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۷۱)؛ آداب نشستن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۱، ۶۶۲)، کفر و ایمان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۳۴)؛ حدود و تعزیرات (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۴، ص ۱۹۲)؛ مکارم اخلاق (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۹۱)؛ فضائل زیارات (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۲، ۱۶۹)؛ علم و برتری علماء (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲، ۳۶) مشاهده گردید.

براین اساس گرچه باتوجه به فقیه بودن حماد از یک سو و حجم بالای روایات وی در باب موضوعات فقهی از سوی دیگر، احتمال اصل فقهی بودن مکتوباتش ممکن است، اما این موضوع را نباید از خاطر دورنگه داشت که قسمت عمده‌ای از روایات حماد نیز درباره مسائل اعتقادی، اخلاقی و خوراکی‌ها و ... است، افزون بر آن ابن طاووس که از کتاب حماد با عنوان اصل یاد کرده، در کتابی این مطلب را مطرح نموده است که درباره منابع حدیثی با موضوع اوضاع آخر الزمان بوده نه مسائل فقهی و بالطبع مقصود وی از اصل، اصل فقهی نبوده است؛ اما از آنجا که حجم روایات حماد در برخی از بخش‌ها مانند فضل علم، توحید، ایمان و کفر و ... بسیار ناچیز و در بخش‌هایی مانند نماز، حج، طهارت، روزه و ائمه (ع) بیشتر است و باتوجه به شواهد و قرائنی که در قسمت‌های قبلی بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که حماد بن عثمان ضمن داشتن اصل حدیثی مانند اساتید خویش^۱ ممکن است دارای کتب و دست‌نوشته‌هایی جداگانه با عناوین الصلوه، الزکاه، الصیام، الطهارت، الامامه و ... نیز می‌باشد. یک نکته را در این قسمت بایستی مدنظر قرارداد که گرچه نوشتارهای عصر نخست یعنی همان قرن دوم به‌ویژه نیمه اول و حدود سال ۱۵۰ در موارد بسیاری دسته‌بندی خاصی نداشته است (معارف، ۱۳۸۷، ص ۷۲) اما این موضوع به معنای نداشتن کتب متعدد و البته با هیأتی نامرتب از جانب یک صحابه در آن زمان نبوده است (این موضوع درباره همه صحابه صدق نمی‌کند). به عنوان مثال حماد بن عیسی از هم‌عصران حماد بن عثمان چندین کتاب با عناوین الصلوه، الزکاه و ... داشته است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۲؛ طوسی، ص ۱۵۶)؛ لذا این احتمال درباره آثار حماد بن عثمان نیز می‌تواند صحیح باشد.

نتیجه گیری

۱. طوسی در فهرست خود کتابی را به حماد بن عثمان نسبت داده است بدون آنکه نامی برای آن ذکر کند. از آنجا که این کتاب نوشته یکی از اصحاب فقیه و نزدیک و معتمد امامان بوده؛ منبع بسیار مهمی برای شناخت احادیث معتبر در زمینه احادیث به ویژه احادیث فقهی است که بنا بر نقل ابن طاووس تا آن زمان موجود بوده و بعد از آن مفقود شده است.

۲. بازسازی این اثر با شیوه تاریخی - اسنادی و بر اساس روش فهرستی انجام گرفت و با توجه به شواهد و قرائن مشخص گردید که حماد بن عثمان علاوه بر داشتن کتبی چند، دارای اصل حدیثی نیز بوده است چرا که ابن طاووس در کتاب خود از اثر حدیثی حماد با عنوان اصل یاد کرده است همچنین منابع حدیثی کتاب الفتن و الملاحم ابن طاووس که در آن به اصل بودن

^۱ . (مانند عبیدالله حلبی، استاد حماد که کتاب المسائل در این باره دارد) (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹)

کتاب حماد اشاره کرده، درباره موضوعات آخر الزمان است نه موضوعات فقهی. از سوی دیگر در تعریف اصل به نقل روایت بدون واسطه از معصوم (ع) یا با یک واسطه از معصوم اشاره شده است که این موضوع برای روایات حماد بن عثمان صدق می‌کند و بالاخره منبع اصلی روایات حماد، کتب اربعه است و از آنجا که اصل‌ها پایه‌ی کتب حدیثی شیعه از قرن سوم به بعد است و بیشتر احادیث کتب اربعه از آن‌ها گرفته شده است لذا وی افزون بر کتاب دارای اصل نیز بوده است.

فهرست منابع

قرآن

ابن بابویه، علی بن حسین. (۱۴۰۴ق). *الامامه و التبصره من الحیره*. قم: مدرسه الإمام المهدی (عج).

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۵ق). *المقنن*. قم: مؤسسه الإمام المهدی (عج).

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ش). *علل الشرایع*. قم: کتابفروشی داوری.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). *التوحید*. قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۶ق). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*. قم: دار الشریف الرضی للنشر.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *معانی الاخبار*. قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. تهران: اسلامیه.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲ش). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶ش). *الامالی*. تهران: کتابچی.

ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). *الغیبه للنعمانی*. تهران: نشر صدوق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م). *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین منهم قدیماً و حدیثاً*. نجف: المطبعة الحیدریه.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۶ق). *التشریف بالمنز فی التعریف بالفتن*. قم: مؤسسه صاحب الامر.

ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶ش). *کامل الزیارات*. نجف اشرف: دار المرتضویه.

آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.

باقر تاش، سلیمه. (۱۳۸۶). «بررسی نقش و جایگاه اصحاب اجماع در حدیث شیعه». *پایان نامه کارشناسی ارشد*.

بحر العلوم، محمد مهدی. (۱۳۶۳ش). *رجال معروف به الفوائد الرجالیه*. تهران: منشورات مکتبه الصادق.

پهلوان، منصور و طارمی راد، حسن و سهیلی، محمد حسین. (۱۳۹۶ش). بازسازی کتاب الحج معاویه بن عمار و ارزیابی طرق روایت آن با تأکید بر احادیث زیارت. «پژوهش‌های قرآن و حدیث»، ۵۰(۱)، ۳۳-۵۹.
<https://jqst.ut.ac.ir/article.html۶۳۹۳۸>

جعفریان، رسول. (۱۳۷۹). موارد پژوهی و بازسازی متون مفقوده. «آیین پژوهش»، ۱۱(۶۳)، شماره ۳، ۷-۲.
<https://jap.isca.ac.ir/article.html۱۳۹۸>

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۱ق). *رجال العلامة الحلی*. نجف اشرف: دار الذخائر.

حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). *قرب الاسناد*. قم: موسسه آل البيت (ع).

خویی، ابوالقاسم. (بی تا). *معجم رجال الحدیث*. بیروت: بی نا.

راد، علی. (۱۳۸۵). شیوه‌های بازایی میراث مفقود اسلامی. «آیین پژوهش»، ۳۵(۲۱۰)، ۲۴۱-۲۶۸.

راد، علی و حسینی، علیرضا و جمالی، مرضیه. (۱۳۹۲ش). بازایی روایات التفسیر علی بن حمزه بطائنی. «حدیث اندیشه»، ۸(۱۶)، ۱۸۷-۲۱۶.
<https://hadithvaandisheh.qhu.ac.ir/article.html۱۰۱۴۴>

زرسازان، عاطفه و معارف، مجید و قدوسی، مرضیه. (۱۴۰۳ش). الگویابی اسناد کلینی به روایات تفسیری حماد بن عثمان. «مطالعات تاریخی قرآن و حدیث»، ۳۰(۷۹)، ۱۲۴-۱۴۳.
<https://sanad.iau.ir/Journal/qhs/Article>

شیخ بهایی، محمد بن حسین. (۱۴۲۹ق). *مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین*. تحقیق: مهدی الرجائی، مشهد: آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الاسلامیه.

شیرازی، سید رضا و ملکی، محمود. (۱۴۰۰). ارزیابی حدیث به روش «تحلیل فهرستی». *دیدگاه‌ها و مبانی، «مطالعات قرآن و حدیث»*، سال ۱۵، شماره ۲، صص ۲۵-۵۶.

صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طباطبایی، کاظم. (۱۳۷۷ش). مسندنویسی در تاریخ حدیث. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

طبری، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه. قم: بعث.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۴). جامع المقال فيما يتعلق باحوال الحديث و الرجال. چاپ: محمد کاظم طریحی، تهران: بی نا.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغیبه. قم: دار المعارف الاسلامیه.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۹۰ق). الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ق). الامالی. قم: دار الثقافة.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف فی الاحکام. قم: جامعه مدرسين.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۷۳ش). رجال الطوسی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعۀ و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.

العبد، محمد. (۱۳۹۱). پژوهشی در ساختار معناشناسی قرآن. مترجم: رقیه رستم پور ملکی، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

عمادی حائری، محمد. (۱۳۸۸). بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، نمونه، تحلیل. تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی. قم: دار الکتاب.

کاظمی، محمد امین بن محمد علی. (۱۴۰۵). هداية المحدثين الى طريقة المحدثين. چاپ مهدی رجایی، قم: بی نا.

کشی، محمد بن عمر. (۱۳۶۳ش). اختیار معرفه الرجال. قم: موسسه آل البيت (ع).

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. قم: دار الکتب الاسلامیه.

مامقانی، عبدالله. (۱۳۶۹ش). تلخیص مقباس الهدایه. تهران: نشر صدوق.

محمّدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۷ش). شناخت نامه حدیث. قم: دار الحدیث.

مختاری، عبدالله و امیر بارانی بیرانوند. (۱۳۹۹). بررسی وثاقت اصحاب اجماع، «رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی»، ۴(۳)، ۶۸-۵۱
<https://ensani.ir/fa/article/journal-number>

مددی، سید احمد. (۱۳۹۳ش). نگاهی به دریا. قم: مؤسسه کتابشناسی شیعه.

مدرسی طباطبائی، سیدحسن. (۱۳۸۶ش). میراث مکتوب شیعه از قرن نخستین هجری. مترجم: سید علی قرایی، قم: نشر مورخ.

مدیر شانه‌چی، کاظم. (۱۳۸۲ش). تاریخ حدیث. تهران: سمت.

مردانی، محمد. (۱۳۹۳). مبانی و روش‌های بازیابی متون حدیثی کهن در سایه بازیابی کتاب زید بن وهب، «تحقیقات علوم قرآن و حدیث»، ۱۱(۱)، ۱۴۷-۱۷۵، https://tqh.alzahra.ac.ir/article_922.html

معارف، مجید. (۱۳۸۷ش). مباحثی در تاریخ حدیث. تهران: نیا.

معارف، مجید و رضا قربانی زرین. (۱۳۸۸ش). مشایخ اجازه در اسناد کافی، «علوم حدیث»، ۵۱(۵۱)، ۶۸-۸۳

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الاختصاص. قم: المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). جوابات أهل الموصول فی العدد و الرؤیه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). المزار. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). المقنعه. قم: کنگره شیخ مفید (ره).

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الامالی. قم: کنگره شیخ مفید (ره).

موحدی، محمد علی. (۱۴۰۰). «بازسازی تکن گاریهای مهدوی عصر حضور در جهت تحلیل محتوای آموزه ی غیبت»، رساله دکتری.

نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه.

نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (ع).

نسخه
پیش
از انتشار